

دوره نامه

شوه نامه کمک به نیازمندان

در سیره پیشوای دوم علیه السلام



دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اصفهان

معاونت دانشجویی و فرهنگی

السلام علیکم و آله و سلم

شیوه نامه کمک به نیازمندان در سیره پیشوای دوم علیه السلام

امام حسن مجتبی علیه السلام، به کریم اهل بیت علیهم السلام شهرت دارند. خانه آن حضرت، برای نیازمندان و محرومان، مأمن و پناهگاه بود.

امام علیه السلام از هیچ اقدامی برای کاستن از آلام مؤمنان دردمندی که به آن حضرت پناه آورده بودند، فروگذار نمی کردند.

روایات متعددی درباره سخاوت و کرم سبط اکبر علیه السلام در کتاب های معتبر مورخان و علمای اهل سنت و شیعه وجود دارد که گواهی بر این ویژگی اخلاقی بی نظیر امام حسن مجتبی علیه السلام و تلاش آن حضرت برای محرومیت زدایی از جامعه اسلامی است.

زنده یاد مهدی پیشوایی در فصلی از کتاب «امام حسن مجتبی علیه السلام؛ پرچمدار صلح و آزادی» می نویسد: «در دین اسلام، ثروتمندان، مسئولیت سنگینی در برابر مستمندان و تهیدستان اجتماع بر عهده دارند و به حکم پیوندهای عمیق معنوی و رشته های برادری دینی که میان مسلمانان برقرار است، باید همواره در تأمین نیازمندی های محرومان اجتماع، کوشا باشند ...»

پیشوای دوم شیعیان، امام حسن مجتبی علیه السلام، نه تنها از نظر علم، تقوا، زهد و عبادت؛ مقامی برگزیده و ممتاز داشتند، بلکه از لحاظ بخشش و دستگیری از بیچارگان و درماندگان نیز، در عصر خود، زبانزد خاص و عام بودند.

وجود گرمی آن حضرت، آرام بخش دل های دردمند، پناهگاه مستمندان و تهیدستان و نقطه امید درماندگان بود.

با این حال، رویکرد امام مجتبی علیه السلام در رفع نیازهای نیازمندان و محرومیت زدایی، رویکردی بدون حساب و کتاب و صرفاً بر مبنای تقاضای افراد نبود.

درست است که هیچ فقری از در خانه آن حضرت ناامید بر نمی گشت، اما امام مجتبی علیه السلام در این امداد و محرومیت زدایی، همیشه نکات کلیدی و مهم را مد نظر قرار می داد که جزئیات آن در برخی روایات قابل مشاهده است.

یک روایت درس آموز

در یکی از این روایات می خوانیم: «روزی یکی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله در کنار مسجد نشسته بود. مرد فقیری از او کمک مالی خواست.

آن صحابی پنج درهم به وی داد؛ مرد فقیر گفت: مرا نزد کسی راهنمایی کن که کمک بیشتری به من بکند.

صحابی به سوی امام حسن مجتبی علیه السلام، امام حسین علیه السلام و عبدا... بن جعفر که در گوشه ای از مسجد نشسته بودند، اشاره کرد و گفت: نزد این چند نفر که در آن جا نشسته اند برو و از آن ها کمک بخواه. مرد فقیر پیش آن ها رفت و

السلام علیکم و آله و سلم

حکمت و سرچشمه نیکی و فضیلت اند. نظیر آن ها را کی می توان یافت؟» در واقع امام مجتبی علیه السلام در کنار بخشش کریمانه خود و دستگیری از فرد نیازمند، او را مسئله مهم مذموم بودن تقاضای کمک بی جا، توجه داد.

به دیگر سخن، آن حضرت معتقد بود که مردم نیازمند باید در حفظ کرامت انسانی خود کوشا باشند و جز در هنگام نیاز، به قرض و تقاضای کمک رو نیاورند.

بخشش های شگفت انگیز

این در حالی است که مورخان، در شرح زندگانی پرافتخار امام مجتبی علیه السلام بخشش کم سابقه و انفاق های بسیار بزرگ و بی نظیری ثبت کرده اند که در تاریخ زندگی دیگر بزرگان، کمتر به چشم می خورد؛ آن حضرت در طول عمر با برکتش، دو بار تمام اموال و دارایی خود را در راه خدا انفاق کرد و سه بار ثروت خود را به دو قسمت مساوی تقسیم کرد و نیمی از ثروتش را، در راه خدا انفاق فرمود.

همت بلند و طبع عالی امام مجتبی علیه السلام، اجازه نمی داد کسی از در خانه آن حضرت ناامید باز گردد و گاهی که کمک مستقیم میسر نمی شد، به طور غیر مستقیم برای رفع نیازمندی های نیازمندان، کوشش می فرمود و با تدابیر خاصی، گره از مشکلات گرفتاران می گشود.

آن آقای بردبار و آراسته

درباره ویژگی های شخصیتی آن امام همام علیه السلام، مطالب

اظهار مطلب کرد؛ امام مجتبی علیه السلام فرمود: از دیگران کمک خواستن، در سه مورد رواست؛ نخست آن که دیه ای به گردن انسان است و از پرداخت خون بها عاجز باشد؛ دوم آن که بدهکار باشد و از عهده پرداخت دین برنیاید و سوم آن که فقیر و درمانده باشد و دستش به جایی نرسد؛ حال، کدام یک از این مسائل، برای تو پیش آمده است؟

مرد فقیر گفت: اتفاقاً گرفتاری من نیز، یکی از همین سه مسئله است و دیگر سخنی نگفت. امام حسن علیه السلام، ۵۰ دینار به وی داد.

به پیروی از آن حضرت، امام حسین علیه السلام نیز، ۴۹ دینار و عبدا... بن جعفر، ۴۸ دینار به وی دادند.

مرد فقیر، هنگام بازگشت از کنار آن صحابی گذشت.

صحابی رسول خدا صلی الله علیه و آله از وی پرسید: چه کردی؟

مرد جواب داد: از تو پول خواستم، تو نیز به من پول دادی، ولی نپرسیدی پول را برای چه منظوری می خواهم؟

اما وقتی پیش آن سه نفر رفتم، حسن بن علی علیه السلام، از من سوال کرد و من هم جواب دادم و آن گاه، هر کدام این مقدار به من عطا کردند.

صحابی خنده ای کرد و گفت: این خاندان، کانون علم و

السلام علیکم و آله و سلم

مهدی پیشوایی» در کتاب «سیره پیشوایان»، در این باره می نویسد: «وجود گرمی آن حضرت، آرامبخش دل های دردمند، پناهگاه مستمندان و تهیدستان و نقطه امید درماندگان بود.

هیچ فقری از خانه آن حضرت دست خالی باز نمی گشت؛ هیچ آزرده دلی، شرح پریشانی خود را نزد آن بزرگوار بازگو نمی کرد، مگر آن که مرهمی بر دل آزرده او نهاده می شد.»

«محمد بن اسحاق»، مشهور به «ابن ندیم» نیز، می نویسد: «در خانه حسن علیه السلام برای برآوردن نیازهای مردم، باز بود.

هرگاه از خانه خارج می شد، مردم به احترامش، می ایستادند و کسی عبور نمی کرد تا آن حضرت از کوچه بگذرد.»

بی تردید، افزون بر وابستگی نسبی به رسول خدا صلی الله علیه و آله، حسن سلوک امام حسن علیه السلام با مردم و شخصیت اخلاقی برجسته آن حضرت، نقش مهمی در این ابراز محبت و احترام مردم داشت.

مسلمانان به بیانات ایشان گوش فرا می دادند و از کلام گهربارش، بهره می بردند.

رسول جعفریان، در کتاب «حیات فکری و سیاسی امامان شیعه علیهم السلام»، ضمن اشاره به شهرت سخنوری آن حضرت،

فراوانی در کتاب های معتبر علمای جهان اسلام، اعم از شیعه و اهل سنت، نقل شده است. «جلال الدین سیوطی»، مفسر و عالم برجسته قرن دهم که شافعی مذهب بود، در کتاب خود، «تاریخ الخلفاء»،

امام مجتبی علیه السلام را این گونه وصف کرده است: «برای حسن علیه السلام، مناسبت [شایستگی] و ویژگی های بسیاری است. آقای بردباری که به زیور آرامش، وقار، حشمت و بخشنده گی آراسته بود.»

او روایتی از «محمد بن سعد»، دیگر عالم اهل سنت و صاحب اثر «طبقات الکبری»، درباره امام حسن علیه السلام و از قول «عمیر بن اسحاق» نقل کرده است که گفته بود: «با هیچ فردی سخن نگفتم که دوست داشتنی تر از حسن بن علی علیه السلام باشد.

هنگامی که سخن می گفت، اصلاً دوست نداشتم کلامش متوقف شود. در سراسر دوران آشنایی ام با او، کلامی ناسزایا درشت از وی نشنیدم.»

«احمد بن یحیی بلاذری» در «انساب الاشراف»، امام حسن علیه السلام را با عباراتی همچون «آقای بخشنده و بردبار» می ستاید و روایت مشهور «حسن و حسین علیهما السلام، سرور جوانان اهل بهشت هستند» را از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند و دلیلی بر عظمت شخصیت امام مجتبی علیه السلام می داند. ابامحمد علیه السلام بسیار سخی و بخشنده بود. مرحوم «استاد

السلام علیکم و آله و سلم

پیامبری که خداوند او را با عبارت «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» ستوده است.

مورخان، خوی و منش امام حسن علیه السلام را همانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله توصیف کرده اند. «ابونعیم» در «تاریخ أصبهان»، «ابن سعد» در «ترجمة الامام الحسن علیه السلام» و نیز دیگر مورخان جهان اسلام، زهد و پارسایی امام مجتبی علیه السلام را ستوده اند.

آن حضرت با پای پیاده، بیست بار به حج مشرف شد و می فرمود: «شرم دارم خداوند را در حالی ملاقات کنم که پیاده به خانه او نرفته باشم».

«باقر شریف القرشی» در کتاب ارزشمند «حياة الامام الحسن علیه السلام» می نویسد: «راویان روایت کرده اند که هیچ گاه با امام مجتبی علیه السلام ملاقات نمی کردند، مگر این که آن حضرت به ذکر خداوند مشغول بود؛ وقتی به یاد عذاب و پاداش الهی می افتاد، وجودش را اضطراب فرامی گرفت و از خداوند بهشتش را مسئلت می کرد و از دوزخ به او پناه می برد.

امام علیه السلام هنگامی که یاد مرگ می افتاد، همچون خائفان می گریست و وقتی که به نماز می ایستاد، وجودش مملو از خضوع و خشوع بود. آن حضرت از کسانی بود که مرگ را زیاد به یاد می آورند.

امام حسن علیه السلام هنگامی که قصد وضو می کرد، چهره اش

آورده است که امام مجتبی علیه السلام در جریان جنگ جمل، خطبه ای غرا برای مردم کوفه ایراد فرمود که نقش مهمی در برانگیختن مردم این شهر برای مبارزه با «ناکثین» داشت.

پدر وصف مکارم اخلاق فرزند زهرا علیه السلام

درباره مکارم اخلاق و جایگاه آن حضرت نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله امام حسن مجتبی علیه السلام، روایت و گزارش در منابع شیعه و اهل سنت، بیرون از شمار است.

علاوه بر مواردی که پیشتر به آن اشاره کردیم، می توان به تعداد فراوانی از این روایات در کتاب های معتبر پرداخت.

«مسلم بن حجاج نیشابوری»، محدث مشهور اهل سنت، در کتاب خود، «صحیح مسلم»، روایتی مشهور را درباره جایگاه امام حسن مجتبی علیه السلام، نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آورده است.

او به نقل از یکی از راویان معتبر اهل سنت می نویسد: «رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم که حسن علیه السلام را در آغوش گرفته بود و می فرمود: بار خدایا! من حسن را دوست می دارم، تو نیز او را دوست بدار.»

درباره جایگاه ممتاز و ویژه امام حسن علیه السلام نزد پیامبرگرامی اسلام صلی الله علیه و آله، اختلافی میان دانشمندان شیعه و اهل سنت وجود ندارد.

آن حضرت در دامن رسول خدا صلی الله علیه و آله پرورش یافت؛ همان

اَللّٰهُمَّ عَلَيَّ كَمَا عَلَيَّ اَهْلَ الْبَيْتِ

معیشت کدام است؟ آن حضرت فرمود: آن معیشت که جز خودمان را از آن بهره ای نباشد.

دگرگون می شد و از خوف خداوند رنگ صورتش تغییر می کرد.

از امام حسن علیه السلام همچنین، روایت شده است که فرمود: بدترین مصیبت، بداخلاقی است و برترین عبادت، انتظار فرج. امام مجتبی علیه السلام در گفتار، بسیار با ادب بود و جز در موارد لزوم سخنی نمی گفت.

آن حضرت بر تلاوت قرآن مداومت داشت؛ دایم در آیات آن تدبر می کرد و زمانی که آیه ای را تلاوت می کرد که در آن، خداوند مؤمنان را مخاطب قرار داده بود، با صدای بلند می فرمود:

ادب و وقار امام علیه السلام آن اندازه بود که حتی دشمنی مانند معاویه نیز به آن اعتراف می کرد.

لبیک! اللهم لبیک! امام مجتبی علیه السلام هر شب سوره کهف را تلاوت می کرد. آن حضرت تصویری روشن از مکارم اخلاق را پیش روی پیروان و علاقه مندان خود قرار می داد و آن ها را به رعایت این موارد تشویق می کرد.

«یعقوبی» در کتاب خود به نقل از معاویه می نویسد: «هنگام صحبت هیچ کس مایل به سکوت نبودم، مگر حسن بن علی؛ حتی یک بار از زبان او ناسزایی نشنیدم.»

«احمد بن اسحاق یعقوبی» در کتاب «تاریخ یعقوبی» می نویسد: «جابر می گوید، از امام حسن علیه السلام شنیدم که می فرمود: مکارم اخلاق ده چیز است، راستگویی، ناامیدی از غیرخدا، بخشش به نیازمندان، خوش اخلاقی، پاداش دادن در برابر خدمت دیگران، پیوند با خویشان، حمایت از همسایه، توجه به حقوق دوستان، مهمان نوازی و در رأس همه آن ها، شرم و حیا.

افزون بر تمام این صفات، آن امام همام علیه السلام اهل تفکر و تعقل بسیار بود. «ابراهیم بن محمد جوینی» در کتاب «فرائد السمطین»، از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله روایتی نقل می کند که آن حضرت فرمود: «لو كان العقل رجلاً لكان الحسن؛ اگر عقل در قامت مردی مجسم می شد، آن مرد، حسن بود.»

پرورش در مهبط وحی

امام حسن علیه السلام در خانواده ای پرورش یافت که محل سکونتشان، مهبط وحی بود.

آورده اند که شخصی از امام حسن علیه السلام پرسید: بهترین نوع معیشت کدام است؟ فرمود: آن معیشت که دیگران را در آن شریک کنیم.

آن حضرت از محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله بهره برد و از آموزه های

آن شخص دوباره پرسید: حال بفرمایید بدترین نوع

السلام علیکم وعلیٰ اہل البیت

پدر بزرگوارش، امیرمؤمنان (علیہ السلام)، ممتازترین شاگرد مکتب پیامبر (صلی اللہ علیہ وسلم)، درس‌ها آموخت.

در این هنگام، فرشته وحی بر رسول خدا (صلی اللہ علیہ وسلم) نازل شد و پیام حق را به آن حضرت رساند: «مَثَل عیسی در نزد خدا، همچون آدم است، که او را از خاک آفرید، و سپس به او فرمود: «موجود باش!» او هم فوری موجود شد.

امام مجتبی (علیہ السلام) می‌فرمود: «ما از شجره‌ای هستیم که شاخه‌های پر بار و میوه‌های پاک و گرانبھایی دارد.

(بنابراین، ولادت مسیح بدون پدر، هرگز دلیل بر الوھیت او نیست)؛ این‌ها حقیقتی است از جانب پروردگار تو، بنابراین، از تردید کنندگان مباح!

ما از خاندان نبوت و رسالتیم که در آن خاندان، اساس اسلام برپا شده است و با وجود ممانعت دیگران، عزت خاندان ما، هر روز، بیش از پیش، ریشه‌دارتر شد.

هر گاه بعد از علم و دانشی که (درباره مسیح) به تو رسیده، (باز) کسانی با توبه محاجه و ستیز برخیزند، به آن‌ها بگو: بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را، ما زنان خویش را دعوت کنیم، شما هم زنان خود را، ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود، آن‌گاه مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.» (آیات ۵۹ تا ۶۱ سوره آل عمران - ترجمه استاد مهدی فولادوند)

ما دریاھای ژرف و شگرف را مانیم که هرگز خشک نمی‌شوند و شبیه قله‌های بلند و مرتفع هستیم که هرگز فرو ر نمی‌آیند.

امام مجتبی (علیہ السلام) در رویداد مباحله

در سال دهم هجرت، تعدادی از علمای مسیحی که در «نجران»، منطقه‌ای در شمال عربستان، ساکن بودند، برای دیدار با پیامبر خدا (صلی اللہ علیہ وسلم) و بحث و گفت‌وگوی علمی و دینی با آن حضرت، به مدینه آمدند.

ظاهراً قرار مباحله رسول خدا (صلی اللہ علیہ وسلم) و علمای مسیحی نجران، به روز ۲۴ یا ۲۵ ماه ذی‌الحجه موکول شد. همه مردم مدینه منتظر بودند تا ببینند رسول خدا (صلی اللہ علیہ وسلم) چه کسانی را با خود به مراسم مباحله خواهد آورد.

مباحثه میان علمای مسیحی و رسول اکرم (صلی اللہ علیہ وسلم) به موضوع خلقت حضرت عیسی (علیہ السلام) کشیده شد.

دیری نگذشت که رسول خدا (صلی اللہ علیہ وسلم) در حالی که حسین (علیہ السلام) را در بغل گرفته بود و دست در دست حسن (علیہ السلام) داشت و

با وجود ارائه استدلال‌های محکم از سوی پیامبر اکرم (صلی اللہ علیہ وسلم)، مبنی بر این‌که حضرت عیسی (علیہ السلام) پیامبر و بنده خداست، علمای مسیحی نجران حاضر به پذیرش حقیقت نبودند و

السلام علیکم وعلیٰ اهل بیتکم

از سویی، دخترش فاطمه علیها السلام و دامادش، علی علیه السلام هم همراهش بود، برای مباحله به سوی مسیحیان رفت.

آیت... جعفر سبحانی در کتاب «فروغ ابدیت» می نویسد که رهبر علمای مسیحی، پس از مشاهده پیامبر صلی الله علیه و آله، امیرمؤمنان علیه السلام، حضرت فاطمه علیها السلام و حسنین علیهم السلام از مباحله با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله منصرف شد و به یارانش گفت: «من چهره‌هایی را می بینم که هرگاه دست به دعا بلند کنند و از درگاه الهی بخواهند که بزرگ ترین کوه‌ها را از جا بکنند، فوری دعای آن‌ها مستجاب می شود.» به همین دلیل، روبه رسول خدا صلی الله علیه و آله کرد و گفت: «أقلنا أقال... عثرتک؛ از ما بگذر و ما را عفو کن، خداوند بر شما رحمت کند» و آن حضرت فرمود: «نعم، قد اقلتکم؛ آری، از شما درگذشتم.»

حضور امام حسن مجتبی علیه السلام در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز مباحله، نشان دهنده جایگاه بی مانند آن حضرت نزد پروردگار متعال و پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله است.

منبع: روزنامه خراسان

